



تحلیلی بر نقش کودکان در فرآیند برنامه ریزی شهری در دوران کرونا با رویکرد شهرسازی مشارکتی

حسین پولادی فرد

دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

عبدالخالق آروین پیلی

استادیار گروه عمران، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

محمد صادق صداقت پور

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، واحد بیضا، دانشگاه آزاد اسلامی، بیضا، ایران

چکیده

اگر در فرایند برنامه ریزی شهرها کودکان هم مدنظر قرار گیرند، شهرها می توانند از نظر اجتماعی و محیط زیست عرصه هایی پایدارتر و زیست پذیرتر باشند. برنامه ریزی شهری هنگامی به معنای واقعی به اهداف شهر مطلوب نایل می شود که خواسته ها و نیازهای تمام شهروندان با توجه به اقتضای سنی مورد توجه قرار گیرد. مشارکت کودکان در ابتدا نیازمند درک کاملی از مفاهیم مربوط به کودک، حقوق، مزایا و چالش های مشارکت با کودکان است. همچنین بررسی روش های مشارکت دادن کودکان در دوران قبل و بعد کرونا و ارزیابی معایب و مزایای آن، جزو لازمه های این پژوهش می باشد. از آنجایی که کودکان ویژگی های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاهشان در جامعه تعریف می شود. در این راستا هدف پیدا کردن روش های جدید برای مشارکت کودکان در دوران کرونا می باشد و این سؤال پیش می آید که با توجه به معایب و مزایای روش های نوین دوران کرونا، از چه روش هایی برای نتیجه گیری بهتر میتوان استفاده نمود؟ این پژوهش که با روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه ای به شناسایی عوامل و فاکتورهای کالبدی- فضایی موثر در بسترسازی مشارکت کودکان در فضاهای شهری در دوران قبل و بعد کرونا پرداخته، در پایان راهکارها و الگوهای مشارکت کودکان در فرایند برنامه ریزی و طراحی در شرایط مختلف کرونا را پیشنهاد می دهد.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی شهری، شهرسازی مشارکتی، مشارکت کودکان، کرونا، شهر دوستدار کودک

مقدمه

در متون سیاست گذاری عمومی و برنامه ریزی دهه های اخیر، مشارکت عمومی به منزله یک خیر مطلق یا نوعی کنش اعتقادی رایج در نظر گرفته شده است که به ندرت مورد تردید و پرسش واقع می شود. با وجود این، شواهد اندکی مبنی بر کارایی بلندمدت کاربرست رهیافت های مشارکتی در بهبود شرایط مادی آسیب پذیرترین گروه ها یا موفقیت آن ها در ایجاد تغییر اجتماعی وجود دارد (تقدسی و شریف زادگان، ۱۳۹۹). یکی از معضلات امروزی شهرها که در اثر رشد و توسعه آن ها، به عنوان جلوه هایی از زندگی جوامع امروزی به وجود آمده و زندگی و رفاه شهروندان را تحت تاثیر قرار داده، معضلات مربوط به ایمنی و امنیت شهروندان است. در این میان، ایمنی و امنیت گروه های آسیب پذیر و به ویژه کودکان، به عنوان یکی از آسیب پذیر ترین اقشار جامعه، از اهمیت خاصی برخوردار است (پولادی فرد و همکاران، ۱۴۰۱). اگر در فرایند برنامه ریزی شهرها کودکان هم مدنظر قرار گیرند، شهرها می توانند از نظر اجتماعی و محیط زیست عرصه هایی پایدارتر و زیست پذیرتر باشند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۰). برنامه ریزی شهری هنگامی به معنای واقعی به اهداف شهر مطلوب نایل می گردد که خواسته ها و نیازهای تمام شهروندان را با توجه به اقتضای سنی مورد توجه قرار دهد. شهر مورد علاقه کودکان، شهر مورد علاقه تمامی مردم است؛ به طوری که شهروندان خود را به شرکت در تمامی برنامه های شهری تشویق می کنند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱). نظریه های برنامه ریزی در جهان امروز بیش از گذشته به مشارکت و انسانی شدن طرح ها تأکید می کند. یکی از الزامات زندگی شهری مشارکت است و این امر هنگامی تحقق می یابد که شهروندان هر کدام به نوبه خود احساس مسئولیت کنند و از حالت یک شهروند عادی به یک شهروند مسئولیت پذیر و مشارکت پذیر تبدیل گردند. امروزه موضوع مشارکت مردم در فرآیند شهرسازی ضرورت انکار ناپذیر یافته و شهرسازی مشارکتی به مقوله ای مهم و با ارزش تبدیل شده است. حضور شهروندان در مراحل مختلف توسعه شهری، منجر به افزایش اعتماد عمومی نسبت به تصمیم گیرندگان، ارابه شفافیت و پاسخگویی بهتر در تصمیم گیری، کاهش مناقشه از طریق شناسایی زودتر مسایل، به دست آوردن دانش محلی و سنتی قبل از تصمیم گیری و در نهایت پیشبرد هرچه سریعتر اهداف می شود (نوازی و همکاران، ۱۳۹۷). شهرسازی مشارکتی پیشنهادی است برای نهادینه کردن حضور شهروندان در تصمیم گیری های شهری که امروزه سیاست مشارکتی - محلی گرایی، شهرسازی مشارکتی کمک خواستن از شهروندان برای اجرای طرح های شهری و دخالت دادن آن ها در تصمیم گیری ها جایگزین برنامه ریزی متمرکز از بالا به پایین شده است و مردم تا حدود زیادی جایگاه خویش را یافته اند (خادم الحسینی و همکاران، ۱۳۹۱). جوامع بین المللی تلاش می کنند جایگاه قانونی برای رعایت حقوق این شهروندان کوچک فراهم شود. به این سبب زمینه برای تجلی حضور آنان در قوانین، مقررات و حقوق شهری ایجاد گردیده است. در مصوبات بین المللی و داخلی علاوه بر توجه به تأمین نیازهای اولیه و نیاز کودکان به بازی، بر اهمیت مشارکت کودکان در سهمیم ساختن آنان در فرایند مکان سازی تأکید شده است. این بستر فراهم شده از قشر تأثیرگذار در برنامه ریزی و تصمیم سازی های شهری انتظار دارد که نظر کودکان را در فرایند مشارکتی طراحی فضای شهری اجرا کنند (عزتیان، ۱۳۹۶). تلاش برای چگونگی به اشتراک گذاشتن دانش طراحان و کودکان می توان منجر به مشارکت معنی دار و تأثیرگذارتری از کودکان در برنامه ریزی و طراحی شهری گردد. چنین برنامه هایی به کودکان و نوجوانان کمک می کنند تا با دولت و جامعه برای توسعه شایستگی فضایی و اعتماد به نفس ارتباط برقرار کنند. کرونا به عنوان ویروسی ناشناخته، نه تنها کودکان، بلکه با نفوذترین و قدرتمندترین سیاستمداران و رهبران جهان را نیز در خانه ها حبس کرد. حالا دیگر افراد نه تنها برای به اشتراک گذاشتن عقایدشان و سهمیم شدن در تصمیم گیری ها، بلکه برای فعالیت های روزمره نیز از یکدیگر فاصله گرفته اند. عدم حضور فیزیکی و اجتماعی شهروندان بخصوص اقشار آسیب پذیرتر مانند کودکان این پرسش را مطرح می کند که در نبود ابزارهای مشارکت چهره به چهره و حضوری، صدای کودکان در تصمیماتی که بر سرنوشتشان موثر است چگونه باید شنیده شود. علاوه بر اینکه نه تنها مشارکت کودک، که سلامت جسمی و روانی او نیز در این دوران در معرض تهدید قرار دارد. (منوچهری، ۱۳۹۹).

۲- مبانی نظری

۲-۱- برنامه ریزی و طراحی شهری مشارکتی

۲-۱-۱- مفهوم مشارکت

مشارکت عمومی، فرایندی است که طی آن، دغدغه ها، نیازها و ارزش های عمومی در تصمیم گیری های حکومتی و رسته ای گنجانیده می شود و در حقیقت فرایند ارتباط و میان کنش دوجانبه با هدف کلی تصمیم گیری های بهتر با پشتیبانی مردم است (تقدسی و شریف زادگان، ۱۳۹۹). ساموئل پل اهداف زیر را برای مشارکت بر می شمارد:

- ❖ مشارکت در هزینه های طرح؛
- ❖ افزایش کارایی و اثربخشی طرح؛
- ❖ توانمندسازی بهره برداران از طریق آموزشهای رسمی و غیر رسمی و فعالیتهای آگاهی بخش؛
- ❖ افزایش اختیار (تسلط بخشهای محروم جامعه بر منابع و تصمیماتی که بر زندگی شان تأثیر می گذارد).

با عنایت به نظریات مدرن در توسعه، مشارکت را می توان این گونه تعریف نمود: مشارکت، فرایندی است مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری است آگاهانه و داوطلبانه که « شرکت همه افراد ذینفع در همه ابعاد برنامه ریزی و تصمیم گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل، تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف را در بر می گیرد ». این پنج بعد علاوه بر آن که چارچوب مفهومی مشارکت را روشن می سازد، معیاری برای سنجش و تمایز مشارکت واقعی از مشارکت نمادین، مشارکت غیر واقعی، مشارکت ناقص و مشارکت فریب کارانه است (رحمانی، ۱۳۹۲). جیمز میچلی بر مبنای پاسخ دولت ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می کند:

- ❖ **روش مشارکت هدایت شده:** مشارکت اجتماعات محلی، به منظور کنترل سیاسی، اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می کند، به کار می رود. دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه های پنهانی، حمایت می کند.
- ❖ **روش ضد مشارکتی:** حکومت ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن ها تعارض پیدا کند، نمی دهند. طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده ها هستند.
- ❖ **روش مشارکت فزاینده:** در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به شکلی دو گانه عمل می کند؛ به این ترتیب که در موضع گیری های رسمی از آن حمایت می کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی دهد.
- ❖ **روش مشارکت واقعی:** در این شیوه دولت کاملاً از مشارکت اجتماعی حمایت می کند و از طریق ایجاد ساز و کارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه ها، تلاش می کند. در این شیوه مشارکتی، دولت علاوه بر ایجاد نهادهای اصیل محلی، متعهد به فعالیتهای مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر.

اسکات دیویدسون سطوح چهارگانه ای برای مشارکت در نظر دارد

- (۱) اطلاع رسانی
- (۲) مشاوره
- (۳) مشارکت
- (۴) توانمند- سازی (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۷).

دریسل در اثر خود با عنوان شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان که توسط یونسکو به چاپ رسیده، مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می‌کند. وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

- ❖ توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد؛
- ❖ مردمی که در محدوده ی مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند؛
- ❖ مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند (Driskel, 2002).

۲-۱-۲- معیارهای اصلی شهرسازی مشارکتی

مفهوم شهرسازی مشارکتی و مشارکت مردمی ریشه لاتین این کلمه از واژه Participate به معنای با خود داشتن و از نفس خویش چیزی از غیر داشتن، سهمی در چیزی غیر از خود داشتن است. در دایره المعارف علوم اجتماعی نیز مشارکت به معنای شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات خود آمده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴). برخی از معیارهای اصلی در شهرسازی مشارکتی عبارتند از:

- ❖ **نیت اصلی و واقعی برنامه‌ریزان:** مشارکت واقعی وقتی میسر است که برنامه‌ریزان و مدیران اعتقاد درونی و جدی به مشارکت شهروندان داشته باشند.
- ❖ **دامنه مشارکت:** با اختیار تصمیم‌گیری بیشتر به شهروندان، باعث نزدیک تر شدن به مشارکت واقعی خواهیم شد.
- ❖ **نگاه به مشارکت:** اگر مشارکت خود فی نفسه هدف در نظر گرفته شود، به مشارکت واقعی نزدیک تر می‌شویم.
- ❖ **نظرخواهی از شهروندان:** طرح های مشارکتی از نظر مشاوره با شهروندان نیز با هم متفاوت اند.
- ❖ **حق اعتراض به طرح:** داشتن حق اعتراض به طرح به همراه سازو کار اعمال این اعتراضات در طرح به گونه‌ای که منافع عموم تأمین شود از ابزارهای مناسب برای سنجش میزان واقعی مشارکت مردم است.
- ❖ **نظارت شهروندان:** هرچه مردم نظارت بیشتر و جامع‌تری از جانب مردم وجود داشته باشد به مشارکت واقعی نزدیک تر می‌شویم.
- ❖ **جریان اطلاعات:** جهت جریان اطلاعات و شدت این جریان عامل مهمی در تشخیص میزان و نوع مشارکت شمرده می شود.
- ❖ **پشتوانه فکری و فلسفی:** مشارکت امری خلق‌الساعه نیست، هر یک از سطوح مشارکت مبتنی بر سنت‌های ریشه‌دار فلسفی و سیاسی است. از این نظر نیز می‌توان دسته‌های گوناگون مشارکت را از هم متمایز کرد (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۵).

۲-۲- شهرسازی مشارکتی با تاکید بر نقش کودکان در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی شهری

۲-۱-۲- کودک

طبق تعریف فرهنگ فارسی معین، کودک به معنای کوچک، صغیر و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده یا طفل آورده شده است (معین، محمد، ۱۳۶۲: ۳۱۱۷). طبق تعاریف حقوقی جمهوری اسلامی ایران، کودک به فردی اطلاق می شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. قانون مدنی در تبصره یک ماده ۱۲۱۰ مصوبه ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، سن بلوغ را برای پسران ۱۵ سال و دختران ۹ سال قمری ذکر کرده است (منصور، ۱۳۷۷). کنوانسیون حقوق کودک که مفاد آن در سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و مجلس شورای اسلامی ایران نیز در سال ۱۳۷۲ آن را پذیرفته است، در ماده یک خود اشاره به آن دارد که کودک کسی است که دارای سنی کمتر از ۱۸ سال باشد، مگر آنکه طبق قانون اجرا در

مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (یونیسف، ۱۳۷۶). از نظر مرکز آمار ایران کودک به کسی گفته می شود که اجازه فعالیت شغلی نداشته باشد که در این تعریف سن کودک حداکثر ۱۵ سال تمام شمسی است (شیعه، ۱۳۸۵). با توجه به جنبه های رشد جسمی - حرکتی، شناختی، عاطفی، کودکان دارای ویژگی های زیر می باشند:

- ❖ تأمل کوتاهی می کنند، یعنی توانایی برای تمرکز کردن و توجه به فعالیت ها را برای مدت طولانی ندارند. مدت زمان توجه آنان حدوداً ۷ تا ۱۵ دقیقه در هر دوره زمانی است که این زمان برای فعالیت های جسمانی و ذهنی مانند قصه گوئی، ساختمان سازی، بازی با شن و مواردی از این قبیل متناسب است.
- ❖ تمایل به یادگیری از طریق اشیای واقعی و عینی و تجربه های دست اول دارند، زیرا توانایی تفکر انتزاعی و استدلال هنوز در آنان رشد نیافته است. بنابراین از طریق بازی و فعالیت به نحوه بهتری یاد می گیرند.
- ❖ تمایل به خود محوری و خودمرکزی دارند و اساساً هر چیز از دیدگاه و دریچه چشم خود می بینند.
- ❖ به طور طبیعی و با طیب خاطر به موسیقی و اشعار دارای وزن و قافیه پاسخ می دهند
- ❖ برای یادگیری، کنجکاو، خودجوش و مشتاق هستند و به امور تازه با علاقه پاسخ می دهند. هنوز به فعالیت های گروهی عادت ندارند بنابراین از فعالیت های گروهی کوچک بهره بیشتری می برند.
- ❖ بدلیل نیاز درونی برای تحرک و فعالیت جسمی، نمی توانند به مدت طولانی ساکت و آرام بنشینند،
- ❖ از تکرار، به ویژه قصه و داستان و اشعار لذت می برند (رحمانی، ۱۳۹۲).

۲-۲-۲- حقوق کودک

حقوق کودک، در پیمان نامه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این عهدنامه که به "کنوانسیون حقوق کودک" معروف است همه ی دولت ها و مردم جهان را به ساختن دنیای بهتر برای کودکان تشویق می کند. در اوایل اسفند ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ملحق شدن جمهوری اسلامی ایران به این عهدنامه را تصویب کرد. اصول پایه ای حقوق کودک به طور خیلی خلاصه در این پیماننامه به شرح زیر است :

- ❖ هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.
- ❖ زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم گیری می شود باید منافع عالی آنها در راس قرار گیرد.
- ❖ کودکان حق آزادی مذهب، آزادی تشکل و انجمن، حمایت در برابر سوءاستفاده، مراقبت های بهداشتی، استفاده از وسایل
- ❖ کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و در تمام اموری که به آنان مربوط می شود نظرات ایشان باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است ساز و کاری در زمینه نحوه مشارکت آنان در امور مرتبطشان طراحی نمود.

۳-۲-۲- شهر دوستدار کودک

شهر دوستدار کودک شهری است که در آن بخش های مختلف جامعه متعهد می شوند تا استانداردهای لازم را برای زندگی شایسته کودکان در منطقه خود فراهم کنند. شهری که نیازها و علایق خاص این گروه ها را مدنظر قرار می دهد و کودکان به لحاظ ذهنی و روانی از زندگی در آن احساس آرامش می کنند. این احساس آرامش به ویژه با امنیت اجتماعی و ایمنی رابطه ی مستقیم دارد. از اهداف مهم پروژه های شهر دوستدار کودک می توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تامین امنیت کودکان در مکان های مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم گیری های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از

کودکان، توسعه‌ی فضاهای تفریحی و... اشاره نمود (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۹). براین اساس بچه‌ها به عنوان شهروندانی تعریف شده اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه‌ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می شود (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی یونیسف، ۹ مولفه اصلی تشکیل دهنده یک شهر دوستدار کودک عبارتست از :

- ۱) اطمینان از مشارکت کودکان
- ۲) برخورداری از نظام قانونی دوستدار کودک
- ۳) توسعه راهبرد جامع حقوق کودکان در شهر
- ۴) ایجاد واحدهای حقوق کودکان با برقراری سازوکار همکاری بین بخشی
- ۵) اجرای برنامه‌های ارزیابی و برآورد اثر طرح ها بر کودکان
- ۶) تخصیص بودجه مناسب برای کودکان
- ۷) ارایه منظم گزارش در مورد وضعیت کودکان شهر
- ۸) آگاهی بخشی در مورد حقوق کودکان در میان بزرگسالان و کودکان
- ۹) حمایت از فعالیت‌های گروههای مستقل در دفاع از حقوق کودکان (Riggio, 2002)

جدول ۱- ویژگی‌ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک (صفوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲)

ردیف	ویژگی‌ها و خصوصیات شهر دوستدار کودک
۱	عقایدش را در مورد آنچه از شهر می‌خواهد بیان کند
۲	احساس تعلق و اتصال به اجتماع
۳	دسترسی به آب آشامیدنی سالم و فاضلاب مناسب
۴	با ایمنی در خیابانها و با استقلال خودش راه می رود
۵	دریافت خدمات اساسی؛ مانند مراقبت‌های بهداشتی و آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی
۶	کودک در تصمیمات مربوط به شهر تاثیرگذار است
۷	ملاقات با دوستان و بازی با آنها
۸	زندگی در محیطی سالم و عاری از آلودگی
۹	تاثیر تصمیم‌گیری در مورد شهر و اظهار نظر خود، درباره آن
۱۰	از فضاهای سبز که در آن گیاه و حیوانات وجود دارد، بهره‌مند است
۱۱	در مقابل بهره جویی، خشونت و آزار محافظت شده است
۱۲	شرکت در خانواده، جامعه و زندگی اجتماعی شامل رویدادهای فرهنگی و اجتماعی

۲-۲-۴- مشارکت کودکان

یکی از بهترین روش ها برای دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستدار کودک، این است که کودکان و نوجوانان خود در ساخت و برنامه‌ریزی شهر مشارکت داده شوند. بهتر این است که این کار با مشارکت کودکان و نوجوانان در برنامه‌های دولت و جامعه محلی شروع شود تا به تنظیم دستور کاری برای پیشرفت جامعه کمک کند. در کمترین حالت، کودکان و نوجوانان باید در توسعه و طراحی پروژه ها و تصمیم‌گیری جامعه شرکت داده شوند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱). مشارکت حق بنیادی شهروندی است و موجب رشد قابلیت‌های اجتماعی کودکان می‌گردد. مفهوم مشارکت کودکان ساز و کاری تشویقی برای دخالت دادن همه رده های سنی جامعه در فرآیند توسعه شهری بود که به سبب سرعت گرفتن روند رشد در کشورهای در حال توسعه شکل گرفت. کودکان به عنوان عضوی از عموم جامعه در مسیر مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی دارای دیدگاه ها و نیازهای متفاوتی از بزرگسالان می باشند که تاکنون چندین مورد توجه نبوده است. یکی از بهترین روش ها برای دستیابی به محیط‌های ساخته شده دوستدار کودک، برنامه‌ریزی مشارکتی پیشنهاد داده

می‌شوند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۹). همیشه کودکان به چیزهایی که می‌سازند و اشیایی که به آنها هدیه داده می‌شود علاقه می‌ورزند و آن را در ذهن می‌پروراند همانطور که الکساندر می‌گوید: قلعه‌ای که توسط کودکان و از کارتن، سنگ و نیمکت‌های قدیمی ساخته شده، به اندازه یک قلعه کامل و مجهز برای آنان ارزش دارد (کریستوفر، ۱۳۸۸). تحقیقات انجام شده در خصوص مشارکت کودکان، فرآیندی سه مرحله‌ای را پیشنهاد می‌نماید:

۱) سطح ساختاری: این سطح به حقوق و موقعیت کودکان در جامعه و حمایت‌های قانونی از آنها و نیز به وظیفه مسئولین در قبال کودکان به عنوان شهروندان جامعه می‌پردازد. مشاوره مسئولین با کودکان خصیصه اصلی این سطح است.

۲) سطح شخصی: در این سطح هر کودک به عنوان یک شخص حقیقی با علائق و عقاید مشخص و ناظر زیرک محیط اطرافش مطرح است که اگر آزادی عمل داشته باشد، محقق نکته سنج و متفکری ماهر با فطرتی پاک است. بحث اصلی این سطح، زندگی زمان حال کودک است، نه زندگی آینده وی در دوران بزرگسالی است.

۳) سطح شخصی - ارتباطی: در این سطح واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی محیط‌های متفاوت زندگی کودکان مورد بحث است (Skivenes, 2006).

باید به بچه‌ها فرصت داد تا درباره محیط اطراف تصمیم‌گیری کنند و این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد، بلکه باید در حین تصمیم‌گیری بچه‌ها را دخالت داد. عوامل تاثیرگذار بر آن عبارت بودند از:

- ❖ بالا بردن آگاهی اجتماعی: برای تقویت احترام به حقوق بچه‌ها باید جامعه را آگاه کرد.
- ❖ توجه به نیازهای بومی: در این طرح‌ها باید به نیازهای خاص بچه‌ها، خانواده‌ها و اجتماع توجه کرد.
- ❖ توسعه استراتژی‌های شهری برای بچه‌ها: دولت و بخش‌های قانون‌گذار باید به نیازهای شهری بچه‌ها مانند تأمین ایمنی و دوری از خشونت توجه خاصی داشته باشد.
- ❖ بودجه‌های سازمانی بچه‌ها: دخیل کردن افراد و نهادهایی که می‌توانند در تأمین بودجه طرح‌ها را یاری برسانند.
- ❖ تقویت مشارکت: بالا بردن انگیزه‌های تمامی گروه‌های ذینفع در بالا بردن و تقویت مشارکت همه.
- ❖ ظرفیت‌سازی: بالا بردن امکانات و توانایی‌ها و توسعه بالقوه ظرفیت‌ها برای نسل‌های آتی بالا بردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روش‌های مشارکت (کامل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸).

۲-۲-۵- ضرورت مشارکت

مدیر اجرایی یونیسف در انگلستان دیوید بل می‌گوید: تحقیقات انجام شده در چهار کشور جهان طی سه سال اخیر بر اساس نمونه‌گیری از ۴۰۰۰۰ کودک نشان داد که میلیون‌ها کودک احساس تردید در مورد مفید بودن آرای خود به عنوان روشی برای بهبود زندگی خود می‌کنند و رهبران دولتی خود را به عنوان الگوی نقش نمی‌بینند. این مسئله یک سوگیری بسیار نگران‌کننده است، چیزی که رهبران سیاسی باید به آن توجه کافی نشان دهند. که دنیای بزرگسالان حقیقتاً خواستار ایجاد دنیایی و آینده‌های بهتر برای بشریت است، باید به کودکان امکانات و روش‌های بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری در مورد آینده شان داد. طبق گزارش یونیسف، تشریک مساعی کودکان برای آماده‌سازی آنها در مسئولیت‌پذیری آنها به عنوان افراد بزرگسال و ایجاد جوامع منسجم‌تر ضروری است. شکست در ارتقای مشارکت کودکان از سنین کودکی به معنای از دست دادن فرصت طلایی برای نهادینه کردن دموکراسی و ارزش‌های والای انسانی در سراسر جهان است. شکستی که موجب می‌شود، افراد جوان فاقد احساس توانمندی و تعلق به جامعه شوند و این مسئله موجب

از منافع مشارکت برای جوانان و کودکان می‌توان نشاط آور بودن شرکت در فعالیت جدید، تجربه دموکراسی و تحمل عقاید سایرین و ایجاد ارتباط سالم و ایجاد شبکه‌ای از دوستان جدید، افزایش حس سرپرستی و مسئولیت‌پذیری و تقویت اعتماد به نفس در آنان را نام برد. علاوه بر کودکان، مشارکت کودکان برای سایر افراد جامعه نیز دارای منافع است از قبیل: ارتباط و همکاری متقابل کودکان و بزرگسالان و نزدیک شدن گروه‌های سنی مختلف به یکدیگر، شناخت راه‌های بهبود کیفیت توسط سایرین و تقویت احساس تعلق خاطر به محیط زندگی‌شان و تقویت توجه و صرف انرژی و زمان آینده جامعه. از فوائد مشارکت کودکان و نوجوانان برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

- ❖ کمک به اتخاذ بهتر تصمیمات و عملی‌تر بودن برنامه‌ریزی‌ها؛
- ❖ کمک به پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه‌ای که به آن خدمت می‌کنند؛
- ❖ ایجاد محیط‌های شهری کودک پسندتر و انسانی‌تر؛
- ❖ کمک به تحقیق‌یابی روح معاهده سازمان ملل در زمینه حقوق کودکان (دریکسل، ۱۳۸۶)؛
- ❖ به رسمیت شناختن حق کودکان برای مشارکت در برنامه‌های توسعه جامعه به عنوان شهروندان جامعه خود.
- ❖ به رسمیت شناختن ارزش مشارکت کودکان و نوجوانان در توسعه جامعه.
- ❖ برطرف کردن لزوم فرضیات بزرگسالان در مورد اینکه کودکان چه کسانی هستند، چه نیازهایی دارند و خواسته آنها چیست؟
- ❖ تقویت استنباط و تصمیم‌گیری بزرگسالان در حقیقت تجربه کودکان و نوجوانان.
- ❖ کشف این موضوع که دانش و تجربه کودکان و نوجوانان از محیط اطراف خود متفاوت از دانش و تجربه بزرگسالان است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۱)
- ❖ طراحان می‌دانند که چه چیزی در محیط کودکان بیشتر به چشم می‌آیند و چرا؟
- ❖ کودکان سهم بیشتری از پروژه‌ها و محیط حاصله را دارند.
- ❖ محیط ساخته شده تقریباً نیازهای کودکان و نوجوانان را بر طرف می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۲).

۲-۲-۷- موانع تحقق‌پذیری مشارکت در شهرهای دوستدار کودک

هرچند سال‌هاست از توجه مسئولان شهری به مسائل اولیه و ابتدایی مشارکت شهروندان و بخصوص مشارکت کودکان در برنامه‌ریزی و طرح‌های شهری می‌گذرد اما این طرز تفکر برای کشور ما همچنان تفکر نوینی محسوب می‌شود و به جز در چند پروژه به نظر می‌آید این شیوه نگرش به مشارکت، چه به دلیل مشکلات فرهنگی یا ساختاری مدیریت شهری در ایران غریب است. از موانع دستیابی به مشارکت فعال در طرح‌های شهری ایران می‌توان مشکلات زیر را برشمرد:

- ❖ موانع یا محدودیت‌های ساختاری: فقدان ساختارهای محلی یا نبود سازماندهی و زیرساخت‌های ارتباطی و ساختارهای بوروکراتیک که مشارکت را در قالب ازپیش تعیین شده در نظر می‌گیرد.

❖ موانع فرهنگی یا محدودیت‌های فرهنگی - اجتماعی؛

❖ موانع و محدودیت‌های نهادی؛

❖ موانع و محدودیت‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن؛

❖ موانع سیاسی مشارکت؛

❖ موانع ساختاری ناشی از نظام‌های برنامه‌ریزی؛

❖ موانع و مشکلات ناشی از محرمانه و سری بودن برخی از برنامه‌ها؛

❖ موانع ناشی از مفعول پنداشتن مشارکت کنندگان؛

❖ عدم شناخت جایگاه سازمانهای غیردولتی (ارجمند نیا، ۱۳۸۰).

شایان ذکر است که این موانع در خصوص مشارک فعال همه شهروندان در امور شهری مطرح است؛ حال آنکه برای رسیدن به مشارکت همه جانبه گروههای خاص (بخصوص کودکان) مشکلات دیگری نیز بر لیست فوق اضافه می‌شوند که علاوه بر موانع سازمانی بیشتر این مشکلات می‌تواند به مخاطبان طرح برگردد. مشکلاتی از قبیل:

❖ عدم اعتماد کافی مسئولان به گروههای سنی کودک و نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادست از برنامه‌های مشارکتی کودکان.

❖ مسئولان اغلب خود را مسلط بر خواسته‌ها و نیازهای کودکان می‌دانند و تصمیم‌گیری در خصوص کودکان را با اعمال نظر خود انجام می‌دهند و نه با نیازها و خواسته‌های کودکان امروز.

❖ فقدان فرهنگ مشارکت در جامعه و ناشناخته بودن ارزشهای مشارکت برای کودکان و خانواده‌های ایشان.

❖ افزایش هزینه‌ها اقتصادی ناشی از برنامه‌های مختلف مانند آموزش کودکان، گردآوری اطلاعات از کودکان و غیره (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۵).

۲-۲-۸- روش‌ها و الگوهای مشارکت کودکان

از آنجایی که کودکان در سطح آگاهی و درک متفاوتی نسبت به بزرگسالان قرار دارند، ابزار ارتباط برقرارکردن با آنان نیز منحصر به خودشان است. این روش‌ها شامل مصاحبه با کودکان به صورت انفرادی و گروهی، نقاشی کشیدن، آثار دستی و کاردستی، عکسبرداری و فیلمبرداری به وسیله کودکان، ثبت جدول فعالیت‌های روزانه، کروکی و نقشه‌برداری از الگوی رفتار کودکان به وسیله شخص کودک و ناظر تعلیم‌دیده و ... است که می‌تواند در شناسایی منافع کودکان و بررسی مسائل موجود شهر راهنمای طراح باشد (Driskel, 2008).

هر روش شامل موضوعات ذیل می‌باشد: «هدف»، «زمان مورد نیاز»، «ابزار مورد نیاز»، «حداکثر رساندن مشارکت جوانان» و «راهنمای فرایند» (رحمانی، ۱۳۹۲).

جدول ۴ - الگوهای مشارکت کودکان در فضاهای شهری (Baharvand, 2014)

الگو	اهداف	راهکار
الگوی رومانتیک	کودکان به عنوان برنامه ریزان آینده	به کودکان به عنوان برنامه ریزانی نگریسته می شود که اغلب از بزرگسالان بهتر کار را به انجام می رسانند. مانند بهره گیری نیکلسن از این رویکرد در طراحی ها در دهه ۱۲ میلادی
الگوی طراحی و کالیتی	طراحی برای کودکان با توجه به علایق آن ها	شهروندان حق مشارکت در پروژه های شهری نداشته و متخصصان شهری به عنوان وکیل گروه های مختلف، طرح های خود را ارائه می دهند. مانند پروژه های برنامه ریزی شهری دهه ۲۱ میلادی
الگوی نیازها	علوم اجتماعی برای کودکان	ضرورت مشارکت کودکان در طراحی محیط پیرامون با استفاده از علوم روانشناسی محیطی مانند طراحی های لینچ
الگوی یادگیری	کودکان به عنوان یادگیرندگان	آموزش به کودکان از طریق مشارکت، به اندازه تغییرات کالبدی در شهرها اهمیت دارد. این روش اغلب منجر به آموزش و تغییرات اجتماعی، بدون اعمال تغییرات کالبدی می شود. مانند بهره گیری از این الگو در برنامه ریزی های آدامز و مور
الگوی حقوقگرا	کودکان به عنوان شهروندان	تأکید بر حقوق کودکان در شکل دهی به محیط به عنوان گروهی از شهروندان است. مانند پروژه های شورای شهر بچه ها و شهرهای دوستدار کودک اجرا شده توسط یونیسف
الگوی نهادینه-سازی	کودکان به عنوان بزرگسالان	از کودکان همانند بزرگسالان انتظار می رود رفتار کنند و در فرایند برنامه ریزی قدرت داشته باشند. مانند پروژه های توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه
الگوی پیش برنده	مشارکت با کمک چشم انداز سازی	کودکان در طرح ها مشارکت دارند ولی بزرگسالان نقش اصلی را ایفا می کنند. این الگو بازتاب رفتار فعلی ماست و مشارکت را به عنوان عملی آموزنده، اجتماعی و ارتباط دهنده می شناسد. سعی در یافتن راه های احیای دوباره ایده های دوران کودکی در جهت خلق مکان های کودک محور و با کمک خود کودکان دارد.

۲-۹-۲- کرونا و کودکان

آنچه کمتر کسی پیش بینی کرده بود حضور مهمان ناخواندهای بنام کرونا بود، ویروس ناشناخته‌ای که نه تنها کودکان، که با نفوذترین و قدرتمندترین سیاستمداران و رهبران روزگار را نیز در چهار دیواری خانه‌ها حبس کرده است. عدم حضور فیزیکی و اجتماعی شهروندان بخصوص اقشار آسیب‌پذیرتر مانند کودکان این پرسش را مطرح می‌کند که در نبود ابزارهای مشارکت چهره به چهره و حضوری، صدای کودکان در تصمیماتی که بر سرنوشتشان موثر است چگونه باید شنیده شود. علاوه بر اینکه نه تنها مشارکت کودک، که سلامت جسمی و روانی او نیز در این دوران در معرض تهدید قرار دارد. کودکی که برای بهبود رشد فیزیکی، روانی و اجتماعی نیازمند حضور در فضاهای سبز و طبیعی، تحرک و بازی، مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، رفت و آمد و تحرک مستقل در شهر و ارتباطات اجتماعی در دایره دوستان و ملاقات با گروههای همسالان است اکنون تنها به کنج خانه که تنها مکان امن این روزها بشمار می‌رود پناه برده است. تمامی آنچه که به عنوان شاخص در شهر دوستدار کودک مطرح شده است. اگر تا دیروز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی در برخی کشورهای توسعه یافته مساله مداخله کودک در تصمیم‌گیری ها به دلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه موضوعی چالش برانگیز محسوب می‌شد امروز تنها به یک دلیل امری محال تلقی می‌گردد: حفظ سلامت عمومی جامعه. مساله حضور و یا عدم حضور کودکان در مدارس، تاثیرگذاری و یا عدم تاثیر پوشیدن ماسک، میزان موثر فاصله گذاری اجتماعی، دورکاری یا حضور در فضای

کار با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و مراحل مختلف قرنطینه همه و همه تنها به دنبال حفظ سلامت عمومی جامعه، به خصوص کودکان است (منوچهری، ۱۳۹۹).

۲-۱۰-۲-۲ روش های مشارکت کودکان در دوران کرونا

به حاشیه رانده شدن صدای کودکان در دوران کرونا، فضا را برای توجه بیشتر به مفهوم مشارکت الکترونیک یا دیجیتال و استفاده از ابزارهای مبتنی بر شبکه جهانی باز کرده است. استفاده از فن آوری پیش از این‌ها نیز در حوزه مشارکت کودک وارد شده بود. مثال هایی از قبیل استفاده از جی‌پی‌اسها در حوزه موضوعاتی چون رفت و آمد و تحرک مستقل کودکان در شهرها و در حد فاصل مدرسه تا خانه و یا استفاده از دستگاههای کامپیوتری سیار گواه این موضوع است. استفاده از سیستم اطلاعات مکانی مبتنی بر مشارکت عمومی است که در آن از نقشه‌ها برای بالا بردن اطلاعات عموم و گردآوری دادههای مکانی استفاده می شود و یا استفاده از پلت فرمهای نقشه گوگل برای دادههای حمل و نقلی و مبلمان شهری (Delitheou, 2019). از دیگر مثال های رویکرد دیجیتال در مشارکت کودکان است. اگر چه همگی اینها نیز تا حدودی به تحرک کودک در فضاهای شهری نیازمند است (Jones, 2003). مساله پیوند میان دنیای فن آوری و کودکان تا جایی در عصر امروز اهمیت یافته است. مشارکت الکترونیک از عناصر مختلفی تشکیل می شود که سه راس اساسی آن "افراد"، "فن آوری" و "زیرساخت‌ها و موسسات دولتی" است. استفاده از مشارکت الکترونیک به طور معمول در تصمیم‌گیری های سیاسی کاربرد داشته است که شامل سیستم درخواست الکترونیکی، رای‌گیری الکترونیکی، سیستم مشاوره الکترونیکی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای مبتنی بر نقشه، پادکست‌ها، بلاگ‌ها، نظرسنجی‌های آنلاین، انجمن‌های مجازی، پل‌های الکترونیکی، مشاوره های مجازی، اتاق های گفتگوی مجازی و یک سیستم مشارکت ترکیبی است. این سیستم می‌تواند با شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توییتر همراه باشد. این ساختار کلی می‌تواند در دوران بحران که هنوز دسترسی به شبکه جهانی فعال است جایگاهی در عرصه تصمیم‌گیری های شهری نیز پیدا کند و کودکان جزوی از بازیگران اصلی آن باشند. در حقیقت می‌تواند راهی باشد برای شنیدن صدای کودکان در دورانی که امکان حضور فیزیکی آنها در روند برنامه‌ریزی وجود ندارد. میزان و نحوه استفاده از مشارکت آنلاین بنابر فرهنگ، زیرساخت، آموزش و قوانین و سیاست‌های هر کشور می‌تواند متغیر باشد (Yusuf, 2017). در مورد کودکان و نوجوانان، استفاده از این نوع مشارکت می‌تواند در قالب بازی های آنلاین نیز نمود پیدا کند. بازی های الکترونیک یک روش مشارکت آنلاین مبتنی بر بازی است که در سال های اخیر به عنوان یک ابزار تعاملی میان کودکان و دولت‌های محلی برای مشارکت کودک در پروژه‌های طرح ریزی شهری مورد توجه قرار گرفته است (Rexhepi, 2018) که به دلیل جاذبه های گرافیکی و استفاده از انیمیشن‌ها ابزارهایی بسیار کودک پسند هستند.

۲-۱۱-۲-۲ معایب و مزایای روش های نوین مشارکت کودکان

حضور کودکان در فضای مجازی چه با اهداف آموزشی و چه با هدف مشارکت با چالش‌های فراوانی نیز روبرو است. در حالیکه بسیاری، درگیر شدن کودکان با تبلت‌ها، شبکه‌های مجازی و اپلیکیشن‌های گوناگون را برای سلامت کودکان مضر می‌دانند بسیاری با استناد به آمار مرگ و میر ناشی از این ویروس برای کودکان خطر این بیماری را برای کودکان مهم‌تر می‌پندارند و معتقدند که بسیاری از مشکلات مشارکت فیزیکی در مشارکت دیجیتال وجود ندارد. از آن جمله می‌توان به پنهان ماندن و عدم تاثیرگذاری ویژگی‌های روانی برخی کودکان مانند احساس خجالت و یا عدم اعتماد متقابل به محقق اشاره کرد. از سویی دیگر انتقاداتی نیز به این روش وارد است. یکی از نواقص روش های آنلاین جدایی و فاصله میان کودک به عنوان شرکت‌کننده، محقق و فضای تحقیق است. اگرچه این مساله به توازن قدرت میان کودک شرکت‌کننده و محقق بزرگسال می‌انجامد اما ارتباط میان این دو عنصر تحقیق همواره تاثیر بسزایی در روند و نتایج

تحقیقات کیفی داشته است. این مساله به خصوص در روش هایی مانند مصاحبه های گروهی با کودکان بیشتر نمود پیدا می کند. آنجا که کودکان در میان گروه های همسالان و دوستان خود آنچه در درون و ذهنشان می گذرد را به گونه ای متفاوت بیان می دارند. در حقیقت تاثیر حضور همسالان و کنش میان شرکت کنندگان در مصاحبه های گروهی همواره محرکی موثر است که تحقیق را به سمت بیشتر شنیده شدن نظرات کودکان سوق می دهد. این همان تاثیری است که در مصاحبه های فردی کمتر دیده می شود و بسیاری از حالات، رفتارها و زبان بدن کودکان که در میزان مشارکت و به تبع آن در نتایج تحقیقات مشارکتی موثر است در مشارکت آنلاین وجود نخواهد داشت. همچنین، مشارکت مجازی کودکان در تضاد با بسیاری از نظریات ساختارگرایی است. ساختارگراها معتقدند که فعالیت هایی نظیر نوشتن و یا صحبت کردن، این امکان را به کودک می دهد که از تجارب خود معنا خلق کند. در روش هایی مانند مصاحبه و یا نوشتن انشا، کودک در یک فرآیند مذاکره درونی اطلاعات جدیدی را درک و عرضه می کند و از عنصر زبان و دیالوگ برای به نظم درآوردن افکار و خلق معنا بهره می جوید (Ardoin, 2016). مساله بعدی این است که استفاده از مشارکت آنلاین می تواند با اهداف عدالت اجتماعی در تضاد باشد. زیرا عدم توزیع عادلانه زیرساخت های مورد نیاز برای اینگونه مشارکت از جمله دسترسی به اینترنت، کامپیوتر و تلفن های هوشمند برای تمامی اقشار جامعه به یک میزان ممکن نیست. لذا استفاده از این روش در کشورهای در حال توسعه منجر به نشنیدن و به حاشیه رانده شدن صدای بخش اعظمی از کودکان خواهد شد. همچنین علاوه بر موانع فنی، حقوقی، سیاسی و سازمانی مشارکت دیجیتال، بسیاری از دولت های محلی با مشکل کمبود نیروی متخصص در امر فن اوری و منابع مالی مرتبط با فن اوری روبرو هستند. موضوع چالش برانگیز بعدی نگرانی های والدین از مضرات اخلاقی ارتباط کودکان با اینترنت و دسترسی به محتوای نامناسب برخی شبکه ها و وبسایت ها است. این امر لزوم حضور تسهیل گران در کنار کودکان را مطرح می کند (Danby, 2016). در نهایت می توان گفت در جوامعی که ساختار تصمیم گیری در آنها بر اساس شکلی از دموکراسی استوار است و یا داعیه حضور دموکراسی در جامعه را دارند مشارکت افراد امری لازم محسوب می شود و برای رسیدن به برنامه ریزی همه شمول و طرح های شهری که پاسخگوی نیاز تمامی اقشار جامعه باشد برنامه ریزان مستلزم گنجاندن نظرات تمامی شهروندانی هستند که گروه هدف برنامه ریزی قرار دارند از جمله کودکان. این امر با رعایت اصول و قوانین حاکم و نظارت بر آن در دوران بحران مانند شرایط کنونی می تواند با جایگزین کردن سیستم های سنتی با سیستم های مشارکتی دیجیتال صورت گیرد (منوچهری، ۱۳۹۹).

۳- نتیجه گیری

با توجه به این نکته که برنامه ریزی مشارکتی بر اساس اقدامات خاص از قبیل آموزش، روش های مشارکتی، اطمینان از تصویب، عوامل فعال و نقش آنها در جهت مشارکت و ایجاد شناخت محلی و... انجام می شود، باید از شیوه های مشارکت واقعی در تمامی فرایند مشارکت تبعیت نمود و آن را در تمامی مراحل از جمله نیت اصلی و واقعی، دامنه مشارکت، نگاه به مشارکت، حق اعتراض به طرح، نظرخواهی از شهروندان و... بکار برد. طبق پیماننامه جهانی حقوق کودک، کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و در تمام اموری که به آنها مربوط می شود، نظرات ایشان باید مورد توجه قرار گیرد و لازم است ساز و کاری در زمینه نحوه مشارکت آنان در امور مرتبطشان طراحی کرد. لذا تامین حقوق کودکان آن را از تحریم حق خود و سرخوردگی های اجتماعی رهانیده و زمینه ساز ایجاد جامعه سالم آینده بود و نادیده گرفتن نیازهای کودکان در ساختن فضای شهری، منجر به حذف کودکان از مفهوم عموم مردم در لذت بردن از فضاهای باز برای انجام فعالیت هایشان شده است. از اهداف مهم پروژه های شهر دوستدار کودک می توان به ایجاد علاقه در کودکان برای پیگیری حقوقشان، تامین امنیت کودکان در مکانهای مورد نیازشان، غلبه بر فقر و نابرابری، مشارکت دادن کودکان در تصمیم گیری های مربوط به شهر، تمرین همکاری میان کودکان و بزرگسالان، تشویق بزرگسالان به حفظ و حمایت از کودکان، توسعه فضای تفریحی و... اشاره نمود. یک شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب برای بچه ها نیست، بلکه شهری است که به وسیله کودکان ساخته می شود. از آنجایی که کودکان ویژگی های جسمی، روحی و شخصیتی منحصر به فرد خود را دارند، فرایند مشارکت آنان نیز متناسب با جایگاه ایشان در جامعه تعریف می شود. باید به بچه ها از طریق بالا بردن آگاهی اجتماعی، توجه به نیازهای بومی، توسعه



استراتژی های شهری برای بچه ها، تقویت مشارکت، ظرفیت سازی و اختصاص بودجه های سازمانی، فرصت داد تا درباره محیط اطراف، در حین تصمیم گیری ها، مشارکت نمایند. تا باعث کمک به اتخاذ بهتر تصمیمات، ایجاد محیط های شهری کودک پسندتر، پیدا کردن شناخت نسبت به جامعه ای که به آن خدمت می کنند، به رسمیت شناختن حقوق کودکان برای مشارکت و ارزش آن و... اشاره نمود. و در این راستا باید از موانع و مشکلاتی از قبیل محدودیت های ساختاری، فرهنگی- اجتماعی، نهادی، اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، سیاسی، و همچنین عدم اعتماد کافی مسئولان به گروه سنی کودک نوجوان و عدم حمایت مسئولان بالادستی از برنامه های مشارکتی کودکان و همچنین افزایش هزینه های اقتصادی ناشی از برنامه های مختلف و آموزش کودکان و گردآوری اطلاعات جلوگیری نموده و مشکلات را مرتفع ساخت. لازم به ذکر است که با توجه به شرایط و محدودیت های دوران کرونا، اهداف، تعاریف، اصول، برنامه ریزی، سیاست ها و الگوهای به کار رفته در اصول مشارکتی کودکان در فرایند برنامه ریزی مشارکتی کودکان در شهر دوستدار کودک هیچ فرقی نسبت به دوران قبل کرونا نداشته و نباید این فرایند را به فراموشی سپرد. فرق شرایط دوران قبل و بعد کرونا، فقط در نوع روش های مشارکت دادن کودکان در فرایند برنامه ریزی است که در دوران قبل کرونا از روش هایی مانند مصاحبه، نقاشی، نقش بازی کردن، عکسبرداری، نقشه برداری از رفتارها، پرسشنامه و پیمایش و ... استفاده می شد که در دوان کرونا از روش های مشارکت الکترونیک دیجیتال با استفاده از ابزارهای مبتنی بر شبکه های جهانی، جی پی اس، رای گیری و مشاوره الکترونیکی، سیستم اطلاعات جغرافیایی، ابزارهای مبتنی بر نقشه و بازیهای آنلاین می باشد. باید به این نکته توجه داشت که در شرایط دوران کرونا هم موانع و مشکلاتی از قبیل درگیر شدن کودکان با تبلت ها و شبکه های مجازی و اپلیکیشن ها، جدایی و فاصله میان کودک و محقق و فضای تحقیق، عدم تاثیر حضور همسالان و کنش میان شرکت کنندگان، تضاد با بسیاری از نظریات ساختارگرایی، تضاد با اهداف عدالت اجتماعی، کمبود نیروی متخصص در امر فناوری و منابع مالی و... وجود دارد. لذا برای دستیابی به مشارکت بیشتر و کارآمدتر در فرایند برنامه ریزی مشارکتی شهر دوستدار کودک در دوران کرونا، باید از روش های ترکیبی اشاره شده در دوران قبل و بعد از کرونا، به نحوهای که در راستای همپوشانی مشکلات و موانع یکدیگر باشند، برای حصول نتیجه بهتر، استفاده نمود.

منابع

- ارجمند نیا، علی اصغر (۱۳۸۰). «راهبرد سازمان مشارکت یافته»، مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۲۸.
- پولادی فرد، حسین، دانشپور، حمیدرضا، و مشکسار، پریسا (۱۴۰۱). «آسیب شناسی فضاهای پارک های محله ای با رویکرد ارتقا ایمنی کودکان (نمونه موردی پارک محله ای منطقه یک شهر شیراز)»، هجدهمین همایش ملی جغرافیا و محیط زیست.
- تابان تراشکار سپیده، پرتوی پروین (۱۳۹۸). «مؤلفه های مؤثر بر مشارکت کودکان در فرآیند تهیه و اجرای طرح های توسعه محله ای مطالعه موردی: محله سرشور مشهد»، فصلنامه مطالعات شهری، صص ۳-۴.
- تقدسی، رعنا، و شریف زادگان، محمد حسین (۱۳۹۹). «واکاوی جایگاه برنامه ریزی توسعه شهری مشارکتی و چالش های فراروی آن در اندیشه نهادگرا»، دانش شهرسازی، شماره ۴، صص ۳۷-۶۲.
- حبیبی محسن، سعیدی رضوانی هادی (۱۳۸۵). «شهرسازی مشارکتی تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی»، فصلنامه صفا، شماره ۴۳، صص ۵۶.
- خادم الحسینی احمد، عارفی پور صفیه (۱۳۹۱). «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری»، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، سال ۷، شماره ۱۹، صص ۲.
- خوارزمی امیدعلی، جوهری لیلا، خوارزمی امیرعلی (۱۳۹۹). «ارزیابی شاخص های شهر دوستدار کودک در کلانشهر مشهد»، دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، صص ۴.
- دریکسل، دیوید (۱۳۸۶). «ایجاد شهر های بهتر با کودکان و جوانان ترجمه مهنوش توکلی»، نشر دیبایه، تهران، صص ۲۷.
- رحمانی، مرضیه (۱۳۹۲). «طراحی مرکز دوستدار کودک شیراز»، پایان نامه دانشگاه هنر و معماری شیراز، صص ۴۶-۱۶۳.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). «مشارکت شهروندی حکمروایی شهری و مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، صص ۴۷.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۵). «آماده سازی شهر برای کودکان نمونه موردی: تهران»، شهرداری تهران، موسسه نشر شهر، صص ۱۴.
- صفوی مقدم سیده مریم، نوغانی محسن، مظلوم خراسانی محمد (۱۳۹۲). «شهر دوستدار کودک و احساس شادی کودکان در شهر مشهد»، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی مدیریت شهری، صص ۴.
- عابدی شیماء، حنایی تکتم (۱۳۹۹). «تحلیل تأثیر نقش بازی در مشارکت پذیری کودکان در فضای شهری»، فصلنامه پژوهش های تربیتی، شماره ۴۰، صص ۵.
- عزتیان، شهره (۱۳۹۶). «عوامل و موانع مشارکت کودکان در تشکیل فضای شهری»، فصلنامه منظر، شماره ۳۹.
- کاشانی جو خشایار، هرزندی سارا، فتح العلومی ایل ناز (۱۳۹۲). «بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان نمونه موردی: محله نظامیه تهران»، فصلنامه معماری و شهرسازی ارمان شهر، صص ۶-۷.
- کامل نیا حامد، حقیر سعید (۱۳۸۸). «الگوی طراحی فضای سبز در شهر دوستدار کودک»: فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، صص ۷.
- کرمی، سروش، محمودنژاد، فاطمه، فخرایی، عباس، و امیدقانع، روح اله (۱۳۹۴). «ارزیابی میزان تاثیر شهرسازی مشارکتی بر کیفیت های تنوع و احساس امنیت محلات مسکونی در ایران. پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۰)، ۱۷۰-۱۵۷.
- کریستوفر، الکساندر (۱۳۸۸). «الگوهای استاندارد و معماری ترجمه فرشید حسینی»، نشر مهرآزان تهران، صص ۱۸۹.

کیانی اکبر، اسماعیل زاده کواکی علی (۱۳۹۱)، «تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان مطالعه موردی: قوچان»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۲۰، صص ۳-۸.

کیانی اکبر، اسماعیل زاده کواکی علی (۱۳۹۱)، «کیفیت فضای باز شهری در تعامل با کودکان»، مطالعات شهرهای ایرانی اسلامی، شماره ۶، صص ۵۲. گلستانی نفیسه، کمالی محسن، روشن محبوبه (۱۳۹۵)، «بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودک در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکان»، نشریه مدیریت شهری و روستایی، صص ۱۶.

معین، محمد (۱۳۶۲)، «فرهنگ اسلامی»، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، صص ۳۱۱۷، ۲۴. منصور، جهانگیر (۱۳۷۷)، «مجموعه قوانین با آخرین اصلاحات»، تهران، صص ۳۱۲.

منوچهری، بهار (۱۳۹۹)، «مشارکت کودکان در تصمیم گیری های شهری در دوران همه گیری کرونا»، دانشگاه لاترب استرالیا، صص ۱-۵.

نوازی، سمیرا، پرک، ویان، و صالحی، اسماعیل (۱۳۹۷)، «دیدگاه جهانی و تجربه های بین المللی در حوزه برنامه ریزی مشارکتی محیط زیست»، محیط زیست، شماره ۱۷، ۱۶-۵.

یونیسف (۱۳۷۶)، «پیماننامه حقوق کودک»، چاپ اول، انتشارات سروش، صص ۳.

Baharvand, Sh.(2014) Investigating and Reviewing the Concept of Child-Friendly City from Child Participation to Design Standards, by Providing Executive and Strategic Solutions, Journal of Urban Management, No. 34. pp.332. 'Let's see if you

Delitheou, V., Bakogiannis, E ., & Kyriakidis, C.(2019) Urban planning: integrating smart applications to promote community engagement. Heliyon.pp.5.rof

Driskel,D, (2002)Creating Better Cities With Chelderen and Youth(A manual participation), unasco publishing and Earthscan publication itd.pp.32.

Driskell, D.(2008) Creating Better Cities with Children and Youth: A Manual for Participation.Diba Publication.pp.78.).A new sense of place? Mobile'wearable.

Jones ,O. Williams ,M.,& Fleuriot (2003) ,information and communications technology devices and the geographies of urban childhood. Children's Geographies. pp. 34.

Rexhepi, A.,Filiposka, S., & Trajkovik, V(2018). Youth e-participation as a pillar of sustainable societies. Journal of Cleaner Production.pp.114.

Riggio, E.(2002) Child friendly cities. Good governance in the best interests of the child, Journal of Environment & Urbanization, 14 (2).pp.46. 38. Shieh E.(2006)Responsive urban Environment for children, case study, Tehran, Shahr publication.pp.5.

Skivenes, M .Strandbu, A..(2006)A child Per-spective and childrens participation .Journal of Children Youth and Environment.pp.13.

Wilks, Judith,(2010) Child-friendly cities: a place for active citizenship in geographical and environmental education, International Research in Geographical and Environmental Education, 19:1.pp.27.

Yusuf, M., Adams, C., & Dingley, K.(2017) Towards a Theory of e-Participation: An Actor-Network Theory (ANT) Perspective. Unpublished Ph. D. Thesis. UK Kingdom.pp.28.